

آزمون دکترای فلسفه و کلام اسلامی ۱۴۰۳

فلسفه



۳۳۲. این سخن ابن سینا «اعلم أنك قد تفهم معنى المثلث و تشكُّ هل هي موصوف بالوجود فى الأعيان، أم ليس بموجود؟» ناظر به کدام تمایز است؟
 (۱) محسوس با مجرد
 (۲) واجب با ممکن
 (۳) وجود با ماهیت
 (۴) مبدع با محدث
۳۳۳. منظور شیخ الرئيس در این سخن که «تأمل كيف لم يحتج بياننا لثبوت الأول و وحدانيته و برائته عن الصفات، إلى تأمل لغير نفس الوجود و لم يحتج إلى اعتبار من خلقه و فعله و إن كان ذلك دليلاً عليه» بیان کدام مورد است؟
 (۱) برهان وجوب و امکان
 (۲) برهان برعینیت ذات و صفات
 (۳) برهان صدیقین بر اثبات وجود واجب
 (۴) برهان برعینیت وجود و ماهیت در واجب تعالی
۳۳۴. طبق نظر خواجه نصیرالدین طوسی «علت اولی» در این کلام ابن سینا که «ان كانت علة اولی، فهي علة لكل وجود و العلة حقيقة كل وجود فى الوجود» کدام علت است؟
 (۱) فاعلی
 (۲) غایی
 (۳) صوری
 (۴) مادی
۳۳۵. ملاک نیاز به فاعل از نظر متکلمان و از نظر ابن سینا است.
 (۱) امکان ذاتی - وجوب غیری
 (۲) حدوث زمانی - امکان ذاتی
 (۳) وجوب غیری - امکان ذاتی
 (۴) حدوث زمانی - وجوب غیری
۳۳۶. کثرت افراد نوع واحد، به چه عواملی می تواند وابسته باشد؟
 (۱) طبیعت نوع - علت فاعلی - علت قابل
 (۲) علت قابل - علت مادی - طبیعت نوع
 (۳) علت فاعلی - علت صوری - علت مادی
 (۴) علت قابل - علت فاعلی - علت غایی
۳۳۷. از نظر سهروردی اگر فلک محدد الجهات وجود نداشته باشد، کدام مورد اتفاق می افتد؟
 (۱) ابعاد عالم نامتناهی خواهد بود..
 (۲) نظام افلاک فرو خواهد پاشید
 (۳) عدم قابل اشاره حسی خواهد بود.
 (۴) تعداد افلاک، نامتناهی خواهد بود.
۳۳۸. سهروردی انوار قاهره را از طریق کدام قاعده اثبات می نماید؟
 (۱) تضاد انوار
 (۲) امکان اشرف
 (۳) تضاعف انوار
 (۴) قاعده مشرقیه نور و ظلمت
۳۳۹. کدام دسته همگی از آثار رمزی سهروردی محسوب می شوند؟
 (۱) تلویحات - مطارحات - پرتو نامه
 (۲) لغت میدان - صغیر سیمرغ - الواح عمادی
 (۳) هیاکل النور - پرتو نامه - بستان القلوب
 (۴) عقل سرخ - آواز پر جبرئیل - صغیر سیمرغ
۳۴۰. سهروردی کدام قسمت دستگاه فلسفی ارسطو را نمی پذیرد؟
 (۱) نظریه رؤیت
 (۲) علم النفس
 (۳) طبیعیات و تقسیم اجسام
 (۴) موضوع حکمت
۳۴۱. نظر ملاصدرا در مورد کلیات جواهر کدام است؟
 (۱) از حیث مفهوم، جوهر و از حیث مصداق ذهنی، کیف نفسانی و عرض هستند.
 (۲) مفهوم ذهنی آنها عرض و مصادیق خارجی آنها جوهر است.
 (۳) فقط وجود ذهنی دارند و از این جهت عرض هستند.
 (۴) جوهرند و مفهوم جوهر در ماهیت آنها، مأخوذ است.



گزینه ۳. ۳۳۲

توضیح:

در جمله مورد نظر ابن سینا، "اعلم أنك قد تفهم معنى المثلث و تشكّ هل هي موصوف بالوجود في الأعيان، أم ليس بموجود؟" به تمایز وجود و ماهیت اشاره می‌کند.

- ماهیت المثلث به معنای تعریف و مفهوم آن است، یعنی اینکه از سه ضلع و سه زاویه تشکیل شده است.
 - وجود المثلث به معنای تحقق خارجی آن در عالم هستی است، یعنی اینکه آیا در واقعیت یک مثلث موجود هست یا نه.
- ابن سینا در این جمله می‌گوید که ما می‌توانیم مفهوم مثلث را درک کنیم، اما در مورد وجود خارجی آن شک داریم. به عبارت دیگر، ما می‌دانیم که مثلث چیست، اما نمی‌دانیم که آیا در دنیای واقعی مثلی وجود دارد یا نه.

تحلیل گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۱ (محسوس با مجرد): این گزینه نادرست است زیرا تمایز بین محسوس و مجرد به ادراک اشیا مربوط می‌شود، در حالی که جمله ابن سینا به هستی‌شناسی اشیا و تمایز بین وجود و ماهیت آنها اشاره دارد.
- گزینه ۲ (واجب با ممکن): این گزینه نادرست است زیرا تمایز بین واجب و ممکن به ضرورت یا عدم ضرورت وجود اشیا مربوط می‌شود، در حالی که جمله ابن سینا به تمایز بین مفهوم و تحقق خارجی اشیا اشاره دارد.
- گزینه ۴ (مبدع با محدث): این گزینه نادرست است زیرا تمایز بین مبدع و محدث به آفریننده و آفریده شده مربوط می‌شود، در حالی که جمله ابن سینا به هستی‌شناسی اشیا و تمایز بین وجود و ماهیت آنها اشاره دارد.

علت نادرستی گزینه‌های دیگر:

- گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ به ادراک اشیا مربوط می‌شوند، در حالی که جمله ابن سینا به هستی‌شناسی اشیا و تمایز بین وجود و ماهیت آنها اشاره دارد.
- گزینه‌های ۱ و ۲ به ضرورت یا عدم ضرورت وجود اشیا مربوط می‌شوند، در حالی که جمله ابن سینا به تمایز بین مفهوم و تحقق خارجی اشیا اشاره دارد.
- گزینه‌های ۲ و ۴ به آفریننده و آفریده شده مربوط می‌شوند، در حالی که جمله ابن سینا به هستی‌شناسی اشیا و تمایز بین وجود و ماهیت آنها اشاره دارد.

بنابراین، با توجه به توضیحات ارائه شده، گزینه ۳ (وجود با ماهیت) پاسخ صحیح به این سوال آزمون دکترای فلسفه و کلام اسلامی است.

گزینه ۳. ۳۳۳

توضیح:

در جمله مورد نظر شیخ الرئیس، "تأمل كيف لم يحتج بياننا لثبوت الأول و وحدانيته و برائته عن الصفات، إلى تأمل لغير نفس الوجود و لم يحتج إلى اعتبار من خلقه و فعله و إن كان ذلك دليلاً عليه" به برهان صدیقین برای اثبات وجود واجب اشاره می‌کند.

برهان صدیقین برهانی است که بر اساس فطرت و وجدان انسان بنا شده است. این برهان استدلال می‌کند که انسان به طور فطری درک می‌کند که موجودی واجب الوجود و یگانه وجود دارد.

شیخ الرئیس در این جمله می‌گوید که برای اثبات وجود، وحدانیت و تنزیه خداوند از صفات، نیازی به بررسی صفات، خلقت و فعل او نیست، زیرا وجود او از طریق برهان صدیقین که مبتنی بر فطرت و وجدان انسان است، قابل اثبات است.

تحلیل گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۱ (برهان وجوب و امکان): این گزینه نادرست است زیرا برهان وجوب و امکان برای اثبات واجب الوجود بودن خداوند از طریق بررسی امکان و ضرورت وجود موجودات استفاده می‌کند، در حالی که جمله شیخ الرئیس به برهان صدیقین که مبتنی بر فطرت و وجدان انسان است، اشاره دارد.
- گزینه ۲ (برهان برعینیت ذات و صفات): این گزینه نادرست است زیرا برهان برعینیت ذات و صفات برای اثبات عینیت ذات و صفات خداوند از طریق بررسی صفات او استفاده می‌کند، در حالی که جمله شیخ الرئیس به برهان صدیقین که مبتنی بر فطرت و وجدان انسان است، اشاره دارد.
- گزینه ۴ (برهان برعینیت وجود و ماهیت در واجب تعالی): این گزینه نادرست است زیرا برهان برعینیت وجود و ماهیت برای اثبات عینیت وجود و ماهیت در واجب تعالی استفاده می‌کند، در حالی که جمله شیخ الرئیس به برهان صدیقین که مبتنی بر فطرت و وجدان انسان است، اشاره دارد.



علت نادرستی گزینه‌های دیگر:

- گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ به **برهان‌های فلسفی** برای اثبات وجود خداوند اشاره می‌کنند، در حالی که جمله شیخ الرئیس به **برهان صدیقین** که مبتنی بر فطرت و وجدان انسان است، اشاره دارد.
 - گزینه‌های ۱ و ۲ به **بررسی صفات، خلقت و فعل خداوند** برای اثبات وجود او می‌پردازند، در حالی که جمله شیخ الرئیس می‌گوید که برای اثبات وجود خداوند نیازی به بررسی این موارد نیست.
 - گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ به **اثبات عینیت ذات و صفات یا وجود و ماهیت خداوند** می‌پردازند، در حالی که جمله شیخ الرئیس به **اثبات وجود خداوند** به طور کلی اشاره دارد.
- بنابراین، با توجه به توضیحات ارائه شده، **گزینه ۳ (برهان صدیقین بر اثبات وجود واجب)** پاسخ صحیح به این سوال آزمون دکترای فلسفه و کلام اسلامی است.

۳۳۴. **گزینه ۱)**

توضیح:

در جمله مورد نظر ابن سینا، "ان كانت علة اولی، فهي علة لكل وجود و العلة حقيقة كل وجود فی الوجود" به **علت فاعلی** اشاره می‌کند. **علت فاعلی** به موجودی گفته می‌شود که چیزی را به وجود می‌آورد. در این جمله، ابن سینا می‌گوید که اگر علت اولی وجود داشته باشد، آن علت، علت هر وجودی خواهد بود و حقیقت هر وجودی در وجود است. خواجه نصیرالدین طوسی در شرح این کلام ابن سینا، علت اولی را به **علت فاعلی** تفسیر می‌کند. او می‌گوید که علت اولی، موجودی است که همه موجودات دیگر را به وجود آورده و حقیقت هر وجودی در وجود آن علت اولی است.

تحلیل گزینه‌های دیگر:

- **گزینه ۲ (غایی):** این گزینه نادرست است زیرا علت غایی به غایت و هدف یک چیز اشاره می‌کند، در حالی که جمله ابن سینا به موجودی که چیزی را به وجود می‌آورد، یعنی **علت فاعلی**، اشاره دارد.
- **گزینه ۳ (صوری):** این گزینه نادرست است زیرا علت صوری به شکل و ماهیت یک چیز اشاره می‌کند، در حالی که جمله ابن سینا به موجودی که چیزی را به وجود می‌آورد، یعنی **علت فاعلی**، اشاره دارد.
- **گزینه ۴ (مادی):** این گزینه نادرست است زیرا علت مادی به ماده و جنس یک چیز اشاره می‌کند، در حالی که جمله ابن سینا به موجودی که چیزی را به وجود می‌آورد، یعنی **علت فاعلی**، اشاره دارد.

علت نادرستی گزینه‌های دیگر:

- گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ به **علل اربعه** (فاعلی، غایی، صوری و مادی) اشاره می‌کنند که در فلسفه برای تبیین علل یک چیز به کار می‌روند.
 - اما جمله ابن سینا به **علت اولی** که واجب الوجود و آفریننده همه موجودات است، اشاره دارد.
 - علت اولی از **علل اربعه** متمایز است، زیرا خود علت فاعلی برای همه موجودات است و نیازی به علت فاعلی، غایی، صوری یا مادی دیگری ندارد.
- بنابراین، با توجه به توضیحات ارائه شده، **گزینه ۱ (فاعلی)** پاسخ صحیح به این سوال آزمون دکترای فلسفه و کلام اسلامی است.

۳۳۵. **گزینه ۴)**

دلایل:

- **متکلمان:** از نظر متکلمان، هر موجودی که **امکان ذاتی** داشته باشد، به **فاعل** نیازمند است. به عبارت دیگر، موجوداتی که ممکن الوجود هستند، به خودی خود واجب الوجود نیستند و نیازمند وجودی دیگر (فاعل) هستند تا به آنها هستی ببخشند.
- **ابن سینا:** اما ابن سینا دیدگاه متفاوتی دارد. او معتقد است که ملاک نیاز به فاعل، **حدوث زمانی** است. به بیان دیگر، موجوداتی که **حادث** هستند، یعنی در زمانی خاص به وجود آمده‌اند، به فاعل نیازمند هستند.
- **تفاوت کلیدی:** تفاوت اصلی در این است که متکلمان بر **امکان ذاتی** به عنوان ملاک نیاز به فاعل تمرکز می‌کنند، در حالی که ابن سینا بر **حدوث زمانی** تأکید دارد.

تحلیل گزینه‌های غلط:

- **گزینه ۱:** این گزینه نادرست است زیرا "وجوب غیری" به معنای "نیاز به وجود دیگری" است که با "امکان ذاتی" (قابلیت عدم وجود) تناقض دارد.
- **گزینه ۲:** این گزینه نیز نادرست است زیرا "امکان ذاتی" همانطور که گفته شد، با نظر ابن سینا در مورد "حدوث زمانی" به عنوان ملاک نیاز به فاعل همخوانی ندارد.
- **گزینه ۳:** این گزینه نادرست است زیرا "وجوب غیری" به تنهایی کافی نیست. موجودی که "وجوب غیری" دارد، به دلیل نیاز به وجود دیگری، "حادث" نیز محسوب می‌شود و در نتیجه تحت نظر "حدوث زمانی" ابن سینا نیز قرار می‌گیرد.



۳۳۶. گزینه ۱)

دلایل:

- **طبیعت نوع:** کثرت افراد نوع واحد، در وهله اول به **طبیعت نوع** آن موجود بستگی دارد. نوع هر موجود، ظرفیت و استعداد ذاتی برای تعدد و کثرت را تعیین می‌کند.
 - **علت فاعلی:** اما این ظرفیت ذاتی، بدون **علت فاعلی** به فعلیت نمی‌رسد. فاعل، موجودی است که با اعمال قدرتش، کثرت را در نوع ایجاد می‌کند.
 - **علت قابل:** در نهایت، **علت قابل** نیز در این فرایند نقش دارد. علت قابل، ظرفیتی است که ماده برای پذیرش صور مختلف نوع دارد و به نوع اجازه می‌دهد تا در افراد متعدد تجلی یابد.
- تحلیل گزینه های غلط:**
- **گزینه ۲:** این گزینه نادرست است زیرا "علت مادی" به تنهایی برای تبیین کثرت افراد نوع کافی نیست. ماده صرفاً بستری برای تجلی نوع است، اما فاعل و طبیعت نوع نقش تعیین کننده تری دارند.
 - **گزینه ۳:** این گزینه نیز نادرست است زیرا "علت صوری" صرفاً صورت و ماهیت نوع را تعیین می‌کند و نقشی در ایجاد کثرت افراد نوع ندارد.
 - **گزینه ۴:** این گزینه نادرست است زیرا "علت غایی" به هدف و غایت نوع مربوط می‌شود و نقشی مستقیم در ایجاد کثرت افراد نوع ندارد.

۳۳۷. گزینه ۳)

دلایل:

- **نقش فلک محدد الجهات:** از نظر سهروردی، فلک محدد الجهات نقشی اساسی در تعیین جهت در عالم دارد. این فلک، مرکز عالم را مشخص می‌کند و جهت های مختلف (مانند بالا و پایین، چپ و راست) را نسبت به این مرکز تعریف می‌کند.
 - **عدم وجود فلک محدد الجهات:** اگر فلک محدد الجهات وجود نداشته باشد، جهت در عالم معنا نخواهد داشت. موجودات عالم نمی‌توانند موقعیت خود را نسبت به یکدیگر و نسبت به مرکز عالم تعیین کنند.
 - **عدم امکان اشاره حسی:** به دنبال عدم امکان تعیین جهت، اشاره حسی نیز که وابسته به جهت است، معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد. ما نمی‌توانیم به اشیاء و موجودات مختلف اشاره کنیم و آنها را از یکدیگر متمایز نماییم.
- تحلیل گزینه های غلط:**

- **گزینه ۱:** این گزینه نادرست است زیرا ابعاد عالم به وجود فلک محدد الجهات وابسته نیست. سهروردی معتقد است که عالم دارای ابعاد نامتناهی است، چه فلک محدد الجهات وجود داشته باشد و چه وجود نداشته باشد.
- **گزینه ۲:** این گزینه نیز نادرست است زیرا نظام افلاک به طور مستقیم به فلک محدد الجهات وابسته نیست. سهروردی نظام افلاک را به عنوان نظامی عقلانی و منظم تبیین می‌کند که بر اساس سلسله مراتب عقلی و تجلیات نور الهی شکل گرفته است.
- **گزینه ۴:** این گزینه نادرست است زیرا تعداد افلاک به وجود فلک محدد الجهات وابسته نیست. سهروردی در حکمت اشراقی خود، تعداد افلاک را به طور مشخص (هشت فلک) بیان می‌کند و این تعداد به وجود یا عدم وجود فلک محدد الجهات مرتبط نیست.

۳۳۸. گزینه ۲)

دلایل:

- **امکان اشرف:** سهروردی در حکمت اشراقی خود، از **قاعده امکان اشرف** برای اثبات وجود انوار قاهره استفاده می‌کند. این قاعده بیان می‌کند که در هر سلسله ای از موجودات، **موجود اشرف و کامل تر** امکان وجود دارد.
 - **انوار قاهره:** از نظر سهروردی، انوار قاهره **اشرف و کامل ترین موجودات** در عالم هستند. آنها نورهای مطلق و مجردی هستند که منبع همه فیض و کمال در عالم محسوب می‌شوند.
 - **استدلال سهروردی:** سهروردی با استفاده از قاعده امکان اشرف استدلال می‌کند که **وجود انوار قاهره واجب است**. اگر چنین انوار اشرفی وجود نداشته باشند، عالم از کمال و فیض محروم خواهد بود و سلسله موجودات ناقص و ناتمام خواهد ماند.
- تحلیل گزینه های غلط:**

- **گزینه ۱:** این گزینه نادرست است زیرا **تضاد انوار** به تنهایی برای اثبات وجود انوار قاهره کافی نیست. تضاد انوار فقط نشان می‌دهد که در عالم، سطوح مختلفی از نور و ظلمت وجود دارد، اما این امر اثبات کننده وجود انوار قاهره به عنوان اشرف موجودات نوری نیست.
- **گزینه ۳:** این گزینه نیز نادرست است زیرا **تضاعف انوار** به تنهایی برای اثبات وجود انوار قاهره کافی نیست. تضاعف انوار فقط نشان می‌دهد که نور می‌تواند از منبعی به منبع دیگر منتقل شود و افزایش یابد، اما این امر اثبات کننده وجود انوار قاهره به عنوان منبع اصلی و اشرف نوری نیست.